

«فرهیختگان» هرم جمعیتی ایران در ۲۵ سال آینده را بررسی می‌کند

# جمعیت‌شناسی اقتصاد ایران ۱۴۲۵



مرتضی عبدالحسینی

روزنامه‌نگار

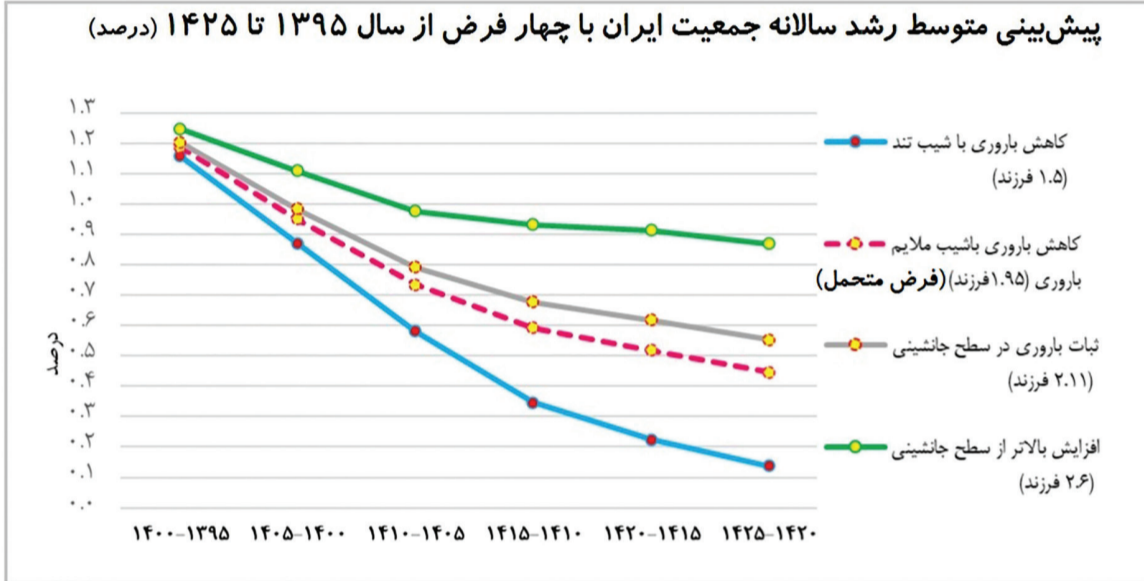
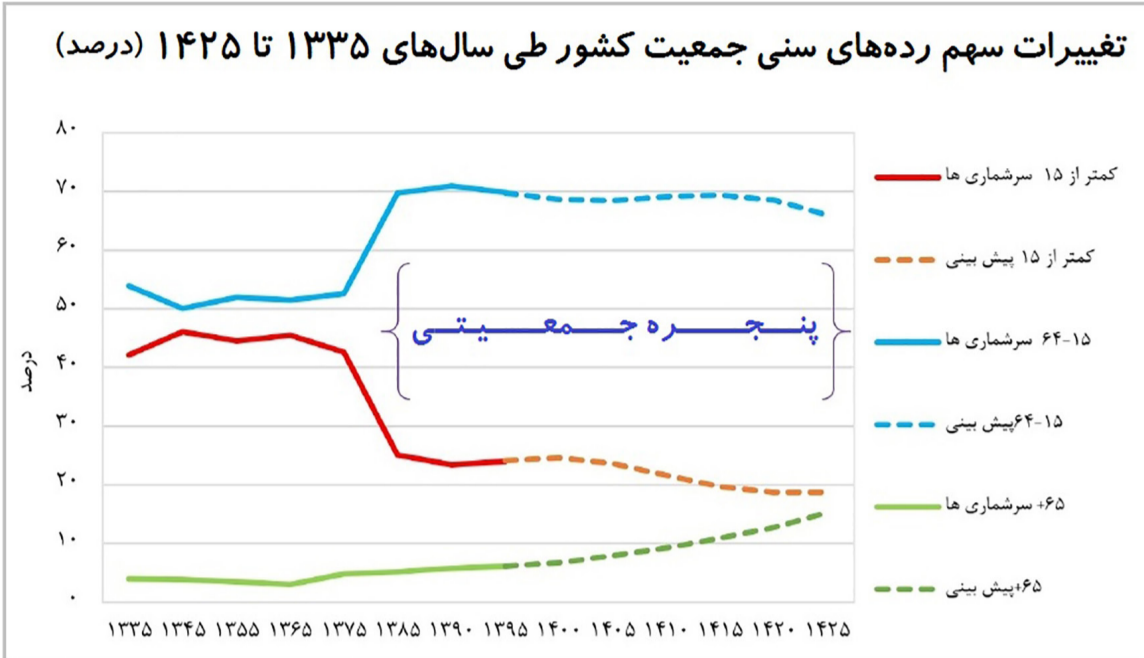
پیش‌بینی و تخمین دقیق رفتار پدیده‌هایی که روی وضعیت اجتماعی، اقتصادی و محیطی تاثیرگذار هستند، نقش مهمی در اتخاذ تصمیم‌های صحیح دارد. تحولات جمعیتی یک کشور به‌عنوان مبنایی برای سیاستگذاری تصمیم‌گیری‌های کلان است، به‌طوری که جمعیت، مبنای سرمایه‌گذاری در زمینه توسعه راه‌وسمکن، توسعه تولید و بنگاه‌های اقتصادی، توسعه تاسیسات آموزشی و درمانی، ایجاد تسهیلات رفاهی و تامین انرژی و... است. از این رو، عدم درک صحیح از تحولات جمعیتی منجر به ناهماهنگی در برنامه‌ریزی‌ها و درنهایت اتلاف سرمایه و زمان خواهد شد. ایران در گذشته همچون سایر کشورها، کشوری جمعیت‌گرو بوده و علاقه به افزایش جمعیت داشته است. این روند در دهه‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ تحت‌تاثیر بهبود کلی وضعیت بهداشتی و درمانی، موجب رشد شتابان جمعیت ایران شده است، به‌طوری که جمعیت ایران طی ۳۰ سال (۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵) با رشد ۲/۶ برابری از حدود ۱۹ میلیون به بیش از ۴۹ میلیون نفر رسید. با این حال در سه دهه اخیر، نرخ رشد و تعداد جمعیت کشور به‌طور قابل‌توجهی رو به کاهش گذاشته، به‌طوری که طی ۳۰ سال اخیر جمعیت کشور با رشد ۱/۶ برابری از حدود ۴۹ میلیون نفر در سال ۱۳۶۵ به ۷۹ میلیون نفر در سال ۱۳۹۵ و به ۸۳ میلیون نفر در سال ۱۳۹۸ رسیده است. همچنین طبق پیش‌بینی اخیر سازمان برنامه‌بودجه، جمعیت کشور با روند رشد فعلی تا پایان سال ۱۴۲۵ به ۹۹ میلیون نفر خواهد رسید که ازجمله رشد‌های کم‌جمعیت بین کشورهای درحال توسعه و پیرامونی است. بر همین اساس با تحولاتی که طی سه دهه اخیر در کم‌کیف جمعیت کشور رخ داده و طی سه دهه آتی رخ خواهد داد، در راستای برنامه‌ریزی و آینده‌نگری چهار اتفاق مهم را باید جدی گرفت. نکته اول کاهش قابل‌توجه باروری و درنتیجه آن کاهش تعداد جمعیت جوان کشور است. نکته دوم مربوط به افزایش جمعیت در سن کار است که پیش‌بینی‌های انجام‌شده تایید می‌کنند این جمعیت از ۶۱ میلیون نفر در سال ۱۳۹۸ به ۶۶ میلیون نفر در سال ۱۴۲۵ خواهد رسید. این پیش‌بینی از این مساله حکایت داشته که جمعیت در سن کار کشور در حدود سه دهه آینده همچنان هرم سنی غالب در مقایسه با دیگر هرم‌های سنی خواهد بود. بنابراین در این زمینه پیش‌بینی فرصت‌های کافی اشتغال و بهره‌گیری از این جمعیت آماده‌به‌کار بسیار مهم است. در جامعه‌شناسی اقتصادی از چنین فرصتی با نام «پنجره جمعیتی» و فرصتی طلایی برای توسعه و رشد اقتصادی یاد می‌شود که در صورت کم‌توجهی به آن، باید منتظر تهدیدهای سالمندی این جمعیت بود. مورد سوم بالارفتن جمعیت سالمند و بازنشسته در اقل‌های جمعیتی را نشان می‌دهد به‌طوری که پیش‌بینی‌ها از رشد سه‌برابری این گروه سنی بین سال‌های ۱۳۹۸ تا سال ۱۴۲۵ حکایت دارند. بررسی رشد جمعیت سالمند در کشور از آن جهت حائز اهمیت است که افزایش جمعیت سالمند، نیازمند هزینه‌های سنگینی در حمایت‌های اجتماعی، بهداشتی و درمانی است و همچنین مسئولیت سنگینی را متوجه صندوق‌های بازنشستگی در پرداخت به‌موقع و مکفی مستمری‌ها و... خواهد کرد. آینده‌پژوهی جمعیتی همچنین چرخش جمعیت از روستاها به شهرها را با روندی روزافزون نشان می‌دهد که این امر نیز تبعات سنگین اقتصادی را در ابعاد کلان و منطقه‌ای خواهد داشت.

## جمعیت ۹۹ میلیونی در سال ۱۴۲۵

با توجه به اهمیت موضوع جمعیت و ساختار سنی آن، پیش‌بینی و آینده‌پژوهی جمعیت کشور در سال‌های آینده در پژوهش‌هایی جداگانه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است. در یکی از این پژوهش‌ها، سازمان برنامه و بودجه مطالعاتی را با عنوان «روند گذشته، وضعیت فعلی و آینده‌نگری جمعیت ایران تا اقی ۱۴۲۵» انجام داده است که در آن ابعاد متفاوتی از روند تحولات جمعیتی در ایران، ساختار جمعیت، تعداد خانوار، باروری و پیش‌بینی‌های جمعیتی مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش در فصل پنجم خود به پیش‌بینی جمعیت کشور تا سال ۱۴۲۵ پرداخته و بر همین اساس در مرحله نخست، پیش‌بینی جمعیت با چهار سناریو (با فرض مختلف در تغییر میزان باروری کل) برای کل کشور انجام شده است. سپس با مطالعه و بررسی نتایج پیش‌بینی، یک سناریو به‌عنوان فرض محتمل و عملیاتی در نظر گرفته شده است. براساس بررسی‌های صورت‌گرفته، در صورت تحقق فرض اول یعنی افزایش میزان باروری کل تا ۲/۶ فرزند، جمعیت کل کشور در سال ۱۴۲۵ هجری شمسی برابر با ۱۰۸ میلیون نفر، با فرض ثابت‌ماندن میزان باروری کل در سطح جانشینی برابر با ۱۰۱ میلیون نفر و با فرض‌های سوم کاهش باروری با شیب تند برابر ۹۵ میلیون نفر و کاهش با شیب ملایم برابر ۹۹ میلیون نفر خواهد شد. نکته قابل‌توجه در این پیش‌بینی تفاوت بین رقم حداقل و حداکثر (جمعیت پیش‌بینی شده) است. این پژوهش، با توجه به مجموعه شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و جمعیتی فرض‌رسیدن به باروری ۱/۹۵ فرزند در اقل سال پیش‌بینی‌شده در عملیاتی‌تر از سایر سناریوهای می‌داند. بنابراین، فرض‌رسیدن به ۱/۹۵ (کاهش باروری کل با شیب ملایم) فرزند و جمعیت ۹۹ میلیونی تا سال ۱۴۲۵ به‌عنوان فرض عملیاتی لحاظ‌شده و ادامه‌ی پیش‌بینی‌ها از قبیل تفکیک استانی، شهرنشینی و روستایی با این فرض صورت گرفته است.

## جمعیت کودک و نوجوان کاهش خواهد یافت

در کنار برآورد جمعیت کل، در مطالعه سازمان برنامه و بودجه گروه‌های سنی نیز بررسی شده‌اند. در ادامه آمار‌های مربوط به وضعیت سه گروه سنی صفر تا ۱۴ سال، ۱۵ تا ۶۵ سال و گروه سنی بالای ۶۵ سال را مورد تحلیل قرار داده‌ایم. مطالعه گروه جمعیتی صفر تا ۱۴ سال از آنجایی اهمیت خواهد داشت که پایه‌ریزی توسعه و حرکت در مسیر آن، بدون برنامه‌ریزی بر این هرم سنی غیرممکن خواهد بود. تعداد جمعیت و کم‌کیفیت وضعیت این گروه سنی علاوه‌بر آنکه پویایی جمعیت کشور را ترسیم می‌کند، اطلاع از وضعیت آنها می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های آموزشی، بخش فرهنگ و سلامت کشور مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین تقویت شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی دربرگیرنده مولفه‌های متفاوت خواهد توانست در تقویت جمعیتی که پایه‌ریزان توسعه محسوب می‌شوند تاثیر به‌سزایی داشته باشد. کشور ما درحال حاضر جزء کشورهای جوان محسوب می‌شود، از همین‌رو مطالعه و تجزیه‌ریز ساختارهای فرهنگی و آموزشی در جهت پیاده‌سازی برنامه‌های توسعه اقتصادی اهمیت بالایی خواهد داشت. از جهت دیگر آسیب‌شناسی محدودیت‌های اقتصادی و اجتماعی موجود برای این گروه سنی و آرسوی دیگر پیش‌بینی میزان جمعیتی آنها برای برنامه‌ریزی جهت دستیابی به شاخص‌های باکیفیت‌تر توسعه انسانی نیز مورد اهمیت و تاکید خواهد بود. در این زمینه داده‌های جمعیتی نشان می‌دهد جمعیت صفر تا ۱۴ سال کشور در آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۵ حدود ۱۹/۳ میلیون نفر یا به‌عبارتی ۲۴ درصد از کل جمعیت ۸۰ میلیونی قرار داشته که جوان‌بودن جمعیت در



کشور ما را تایید می‌کند. درخصوص این گروه سنی با در نظر گرفتن سناریوی سوم، داده‌ها نشان می‌دهد جمعیت صفر تا ۱۴ ساله در سال ۱۴۰۵ بالغ بر ۲۱ میلیون نفر خواهد بود و درنهایت تا سال ۱۴۲۵ به حدود ۱۸/۷ میلیون نفر کاهش خواهد یافت. با وجود پیش‌بینی جمعیت ۹۹ میلیونی کشور در سال ۱۴۲۵ این میزان جمعیت تنها ۱۸ درصد از کل کشور را تشکیل خواهد داد.

**رشد ۱۰ میلیونی جمعیت در سن کار؛ فرصت یا تهدید**

براساس شاخص‌های جمعیت‌شناسی سن فعالیت از ۱۵ سالگی شروع و به ۶۴ سالگی ختم می‌شود. این فاصله‌را سن فعالیت یا بیان دقیق‌تر، سن فعالیت اقتصادی (سن کار) می‌نامند. سن فعالیت در کشورهای جهان سوم معمولا از ۱۰ سالگی و حتی زودتر شروع می‌شود و به‌طور کلی به کارها و اشتغال‌تالی گفته می‌شود که به تولید کالاها و خدمات سودمند و مؤثر در حیات اقتصادی جامعه منتهی می‌شود. جمعیتی که در سن کار قرار دارند، در هر اقتصادی به‌دو بخش فعال و غیرفعال تقسیم می‌شود. جمعیت فعال (active) بنا به تعریف کنفرانس

سال	۱۴ تا ۰ سال	۱۵ تا ۶۴ سال	بالای ۶۵ سال	جمع
۱۳۹۵	۱۹/۳	۵۵/۸	۴/۱۷	۸۰/۰۳
۱۴۰۰	۲۰/۸	۵۸/۳	۵/۱۶	۸۴/۹۷
۱۴۰۵	۲۱	۶۰/۹	۷	۸۹/۱۲
۱۴۱۰	۲۰	۶۳/۸	۸/۵	۹۲/۴۵
۱۴۱۵	۱۸/۷	۶۶/۰۸	۱۰/۴	۹۵/۲۷
۱۴۲۰	۱۸/۳	۶۶/۹	۱۲/۴۳	۹۷/۷۹
۱۴۲۵	۱۸/۶۶	۶۵/۹	۱۵/۲۲	۹۹/۷۹

بین‌المللی آمارشناسان، ترکیبی از زنان و مردانی است که نیروهای آماده‌ای را برای تولید کالاها و خدمات تشکیل می‌دهند. بنا به تعریف، جمعیت فعال افرادی را دربرمی‌گیرد که از لحاظ اقتصادی دارای فعالیت سودمند هستند و به تولید ثروت و خدمات اقتصادی می‌پردازند. این تعریف، در عین حال کارمندان، ارتشیان، کارکنان خانوادگی بدون‌مزه، اشخاصی که برای مزد یا سود کار می‌کنند و همچنین بیکاران در جست‌وجوی کار را نیز دربرمی‌گیرد. براساس داده‌های ارائه‌شده ازسوی مرکز آمار ایران، جمعیت فعال کشور در آخرین گزارش این مرکز ۲۷ میلیون نفر هستند که حدود ۲۴ میلیون نفر آنان شاغل و ۲/۹ میلیون نفر نیز بیکار هستند.

در مقابل، جمعیت غیرفعال شامل کودکان، زنان خانه‌دار، دانش‌آموزان و دانشجویان، بازنشستگان، اجاره‌گیران، بهره‌کشان، زندانیان و کسانی که معاش آنها به‌عهده دیگران است، می‌شود. بر این اساس جمعیت غیرفعال به‌افزایی گفته می‌شود که بنابه دلایل مختلف در جست‌وجوی کار و فعالیت نیستند. این افراد شامل جمعیت بیکار (unemployed) نمی‌شوند، چراکه جمعیت بیکار کسی است که در سن کار قرار دارد و دنبال کار می‌گردد ولی پیدا نمی‌کند. جمعیت غیرفعال و بیکار کشور نیز براساس آخرین آمارها تا پایان زمستان سال گذشته به حدود ۳۴/۵ میلیون نفر رسیده است. در یک جمع‌بندی جمعیت در سن کار کشور تا پایان سال گذشته به حدود ۶۲ میلیون نفر رسیده است، جمعیتی که در سرشماری نفوس مسکن سال ۱۳۹۵ حدود ۵۵/۸ میلیون نفر بوده است. اعداد ذکرشده صرفا اعداد و ارقام بیهوده نیستند، چراکه یکی از مهم‌ترین شاخص‌های بخش نیروی کار که می‌تواند ما را در سیاستگذاری آتی اشتغال و کار کمک کند، شاخص نرخ مشارکت اقتصادی است. اینکه نسبت جمعیت فعال به کل جمعیت را محاسبه می‌کند طی سال گذشته حدود ۳۸/۳ درصد بوده است. به‌عبارتی دیگر، در سال ۱۳۹۸ حدود ۲۸/۳ درصد از جمعیت در سن

## یک هشدار برای رشد ۳ برابری بازنشستگان و سالمندان

بخش سوم از پیش‌بینی جمعیت در رده‌های سنی، مربوط به رده‌سنی سالمندان (افراد بالای ۶۵ سال) است. برای درک اهمیت کم‌کیفیت تغییرات در این گروه سنی لازم است یک مقدمه تاریخی از تحولات این گروه گفته شود. طی ۵۰ سال اخیر توسعه اقتصادی- اجتماعی، کاهش باروری و به‌دنبال آن کاهش رشد جمعیت و افزایش امید زندگی منجر به ایجاد تغییرات قابل‌ملاحظه‌ای در ساختار جمعیت جهان شده است، به‌طوری که طی این مدت تعداد سالمندان به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای افزایش یافته است. این امر هزینه‌های زیادی را به‌خصوص در بخش بهداشت و درمان به‌همراه داشته است. افزایش جمعیت سالمندان، واقعتا آنکارناپذیر جوامع کنونی است. این پدیده هشدار می‌دهد که جوامع برای توجه بیشتر به مسائل این جمعیت روبه‌رشد است. مسائلی چون نبود حمایت‌های اجتماعی، نداشتن شغل و نقش اجتماعی، مخارج زندگی و به‌ویژه هزینه‌های بهداشتی درمانی سرسام‌آور، مشکلات صندوق‌های بازنشستگی در پرداخت به‌موقع و مکفی مستمری‌ها و... ازجمله مواردی است که لزوم توجه بیشتر به این قشر از جامعه را نمایان می‌سازد. براساس برآورد بانک جهانی در سال ۲۰۱۹، بیش از ۶۸۶ میلیون نفر (۸/۹ درصد) از جمعیت جهان افراد سالخورده ۶۵ سال و بالاتر هستند که انتظار می‌رود این رقم در سال ۲۰۵۰ تقریبا سه‌برابر شود و به حدود ۱/۵ میلیارد نفر (۱۶ درصد از جمعیت جهان) برسد. هرم جمعیتی ایران نیز



حاکی از پیروی روند ساختار جمعیتی کشور از روند جهانی است و جمعیت ایران نیز درحال حاضر در مرحله انتقال ساختار سنی از جوانی به سالخوردگی است. براساس اطلاعات آماری، هم‌اکنون حدود ۵/۶ میلیون نفر یا به‌عبارتی، حدود ۶/۷ درصد از جمعیت کشور در سن بالای ۶۵ سال یا سالمندی قرار دارند، اما با توجه به سرعت انتقال سنی در اثر کاهش باروری پیش‌بینی می‌شود به‌طور روزافزون به جمعیت میانسال و سالخورده افزوده شود، به‌طوری که براساس مطالعات اخیر سازمان برنامه و بودجه، در سال ۱۴۲۵ جمعیت کشور به ۹۹ میلیون نفر خواهد رسید که از این تعداد ۱۵ میلیون نفر یا معادل ۱۵/۴ درصد از کل جمعیت کشور را سالمند (افراد بالای ۶۵ سال) تشکیل خواهد داد. اما افزایش تعداد سالمندان از این منظر مهم است که این موضوع اولاً موجب افزایش هزینه‌های حمایت‌های اجتماعی (عمدتا در بودجه سالانه کشور و بودجه شهرداری‌ها و نهادهای عمومی) می‌شود، ثانیاً افزایش سرسام‌آور هزینه‌های بهداشتی درمانی را نیز در پی داشته و مهم‌تر از همه اینکه اگر صندوق‌های بیمه‌ای و صندوق‌های بازنشستگی توان مالی کافی برای پرداخت حقوق و مستمری مکفی و به‌موقع برای بازنشستگان نداشته باشند، این موضوع می‌تواند زمینه‌ساز بحران‌های اجتماعی و حتی امنیتی (افزایش اعتراضات خیابانی و...) شود. کفایت مالی در این صندوق‌ها براساس شاخص پشتیبانی بررسی می‌شود، شاخصی که توضیح می‌دهد هر صندوق در ازای چه تعداد مستمری‌بگیر باید چه تعداد بیمه‌پرداز داشته باشد. بر همین اساس، بررسی وضعیت مالی ۱۸ صندوق بازنشستگی فعال در کشور نشان می‌دهد تنها دو صندوق بازنشستگی یعنی روستایی-عمشایی و صندوق وکلا که نوا هستند و تعداد مستمری‌گیران زیادی ندارند نمره‌ای بالاتر از میانگین شاخص پشتیبانی را ثبت کرده‌اند و ۱۵ صندوق دیگر در شاخص «نسبت پشتیبانی» نمره قبولی نمی‌گیرند، به‌طوری که در ۱۵ صندوق بازنشستگی نسبت پشتیبانی کمتر از ۰.۳ در صندوق سازمان تامین اجتماعی این نسبت حدود ۴/۶ نفر (۴/۶ نفر بیمه‌پرداز درمقابل یک مستمری‌بگیر) و تنها در دو صندوق وکلا و صندوق روستایی-عمشایی این عدد بالاتر از ۶ نفر است. بنابراین با توجه به آثار متنوع و گاه متضادی که سالمندی جمعیت بر بخش‌های مختلف اقتصاد دارد، پیش‌بینی اینکه چه تعداد سالمند و بازنشسته در اقی ۱۴۲۵ خواهیم داشت، صندوق‌های جمعیت بیمه‌پرداز فعلی عملکردی دارند و چه برنامه‌ای برای دوره سالمندی جمعیت بیمه‌پرداز فعلی دارند، بسیار مهم و حیاتی است. فهم این مساله که طی ۲۶ سال آینده جمعیت سالمند ایران حدود سه‌برابر خواهد شد (از ۵/۶ میلیون در سال ۹۹ به ۱۵/۲ میلیون نفر در سال ۱۴۲۵) علاوه‌بر سیاستگذاران بخش کلان اقتصاد و بخش درمان و پزشکی، برای برنامه‌ریزان شهری، مدیریت شهری، متولیان حمل‌ونقل شهری و برون شهری و بخش خصوصی فعال در بخش خدمات هم بسیار مهم است. در این خصوص در کشورهای توسعه‌یافته بیش از دو دهه است که در عرصه‌های شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری موضوعات «شهرهای دوستدار سالمند» مطرح شده است که فضای شهری و امکانات شهری را براساس توانمندی‌ها و محدودیت‌های سالمندان بازسازی و نوسازی می‌کند و به‌عبارتی، حرکت و شناسایی مکان‌های شهری را برای آن تسهیل می‌کند.

## کاهش ۲/۶ میلیونی جمعیت روستایی و چند تهدید

مطالعه اخیر سازمان برنامه‌بودجه با پذیرش تغییر و تحول محدوده‌های جغرافیایی به‌عنوان امری اجتناب‌ناپذیر به پیش‌بینی جمعیت به تفکیک نقاط شهری و روستایی پرداخته است. این مطالعه با توجه به سری زمانی شهرنشینی کشور در نیم‌قرن اخیر و رشد طبیعی جمعیت، پیش‌بینی می‌کند میزان شهرنشینی تا اقی ۱۳۹۵ به ۸۲ درصد در سال ۱۴۲۵ شمسی خواهد رسید. دلایل چنین رشدی اثرات رشد طبیعی جمعیت و جذب مهاجران از مناطق روستایی و نیز تغییر و تحول تغییرات سیاسی در محدوده‌های شهری بیان شده است. طبق این داده‌های آماری، از کل جمعیت حدود ۸۰ میلیون نفری در سال ۱۳۹۵، ۵۹ میلیون نفر در نقاط شهری و حدود ۲۱ میلیون نفر هم در نقاط روستایی سکونت داشته‌اند. در این خصوص پیش‌بینی شده است در سال ۱۴۲۵ درحالی جمعیت کل کشور به حدود ۹۹ میلیون نفر خواهد رسید که بیش از ۸۱/۵ میلیون نفر از آنان در نقاط شهری و ۱۸/۲ میلیون نفر نیز در نقاط روستایی سکونت داشته باشند. به این ترتیب ملاحظه می‌شود تا سال ۱۴۲۵ با توجه به برابری کنونی، گرچه کشورمان رشد منفی جمعیت را تجربه نخواهد کرد، اما با شیبی ملایم از میزان رشد جمعیت کاسته خواهد شد و از طرفی رشد جمعیت مناطق شهری مثبت، اما رشد جمعیت در مناطق روستایی همچنان منفی خواهد بود. نکته قابل‌تامل در این بخش این است که رشد منفی جمعیت در مناطق روستایی طی ۲۶ سال آینده موجب خواهد شد حدود ۲/۶ میلیون نفر از جمعیت روستایی فعلی نیز کاسته شود. علاوه‌بر بررسی‌های آماری گفته‌شده، بررسی روستانشینی و شهرنشینی از منظر توسعه اقتصادی نیز اهمیت زیادی دارد؛ چراکه روستا و روستانشینان علاوه‌بر آنکه با استفاده از تولیدات کشاورزی، دامی و خدماتی خود می‌توانند در تولید کالا‌های اساسی و استراتژیک نقش مؤثری داشته باشند، می‌توانند به پویایی و رشد اقتصادی کشور نیز کمک کنند، اما ادامه روندهای مهاجرتی شکل‌گرفته که عمدتا از جانب «جمعیت در سن کار» این مناطق انجام می‌شود، چنین قدرت اقتصادی را از روستا و روستانشینان سلب خواهد کرد. به‌عنوان نمونه براساس اعلام مرکز آمار ایران، نرخ رشد جمعت در روستاهای ۲۱ استان کشور تا سال ۱۴۰۵ منفی خواهد شد و همچنین براساس اعلام وزارت جهاد کشاورزی ۲۰ درصد از بهره‌برداران اقتصادی در روستاهای کشور در سن بالای ۶۵ سال (خارج از سن کار) قرار دارند. رشد روزافزون مهاجرت‌های روستایی به شهر و کاهش جمعیت روستاییان در سال‌های نه‌چندان دور تبعات اقتصادی متفاوتی برای کشور خواهد داشت؛ اول آنکه در صورت ادامه این وضعیت و عدم ماندگاری جمعیت روستایی در مناطق خود، به‌واسطه خروج نیروی کار ماهر و جوان تولید بخشی از کالا و خدمات کشور کاهش پیدا خواهد کرد و این عوامل ممکن است در تامین کالا‌های ضروری و استراتژیک بخش کشاورزی تاثیر گذار باشد. دومین مورد نیز بحث شهرنشینی و عدم وجود پتانسیل شهری در کشور برای پذیرش این حجم از مهاجرت هاست. چنین مهاجرت‌هایی بلاشک به دلیل نبود تحولات اقتصادی در مناطق شهری، کمبود مسکن و بالابودن قیمت مسکن منجر به افزایش تقاضا برای مسکن و همچنین افزایش حاشیه‌نشینی در شهرها خواهد شد و از طرف دیگر به دلیل نبود اشتغال کافی، نرخ بیکاری، نابرابری و... را نیز افزایش خواهد داد. بنابراین لازم است در برنامه‌های توسعه سیاستگذاری‌های اقتصادی-اجتماعی طوری تنظیم شود که اولاً با هدف‌گذاری درست درجهت کاهش نابرابری بین مناطق شهری و روستایی و نابرابری بین مناطق برخوردار و کم‌تر برخوردار قدم بردارد، و ثانیاً نوع نگاه به روستا و اقتصاد روستایی و همچنین نحوه مدیریت مناطق روستایی از نگاه صرفا عمرانی (محدودشدن طرح‌ها در حد برق‌رسانی و آب‌رسانی و اینترنت) به ایجاد زیرساخت‌های اشتغال و کار، تسهیل راه‌اندازی و شروع کسب‌وکار و تنوع‌بخشی به اقتصاد روستاها تغییر یابد.